

تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۵/۲۲

## قصد قربت در عبادات استیجاری

دکتر علی اکبر ایزدی فرد \*

حسین کاویار \*\*

علی پیردهی حاجیکلا \*\*\*

### چکیده:

ماهیت عبادات استیجاری، أخذ اجرت توسط عامل در ازای انجام دادن آن است. در مقام توجیه گرفتن اجرت در ازای ادای عبادات، آرای فقیهان مختلف است. آن چه باعث تعدد آرای فقیهان شده، وجود ادای واجبات دینی است که باید با قصد قربت و اخلاص همراه باشد. با حفظ این امر، گرفتن اجرت ناممکن می‌نماید، زیرا با قصد قربت سازگار نیست. سؤال بنیادین ما در این مقاله این است که این تضاد چگونه قابل رفع است؟ آیا أخذ اجرت در مقابل یک امر عبادی با عبادیت عمل سازش دارد یا خیر؟ جهت پاسخ به این سؤال بعد از نقل و نقد اقوال مطروحه در مسأله به شیوه-ای تحلیلی، به بررسی نظر مختار می‌پردازیم.

**کلید واژه‌ها:** اجرت، عبادت، استیجاری، قصد قربت، داعی بر داعی.

\* استاد دانشگاه مازندران، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

[Ali85akbar@yahoo.com](mailto:Ali85akbar@yahoo.com)

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه مازندران

[Mirhosseinkaviar@gmail.com](mailto:Mirhosseinkaviar@gmail.com)

\*\*\* کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

## طرح مسأله

آیا انسان می‌تواند برای انجام عباداتی که برای رضای خداوند انجام می‌دهد اجرت بگیرد؟ اگر این کار جایز باشد، آیا با قصد قربت سازگار است؟

یکی از مکاسب محرّمه گرفتن اجرت در انجام کارهای واجب است (شهید اول، الذکری، ۱۷۲/۳؛ فخر المحققین، ایضاح الفوائد، ۴۰۷/۱؛ علامه حلی، تذکره الفقهاء، ۵۸۳/۱؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۱۰/۲؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ۳۵/۴) مثلاً کسی که فوت می‌کند بر مسلمان دیگری واجب است که او را غسل و کفن و دفن نماید. همچنین است اجرت گرفتن برای یاد دادن تکالیف واجب اعم از این که تکلیف واجب عینی باشد مثل تعلیم نماز و احکام عبادات یا واجب کفایی باشد مثل تعلیم فقه. علت حرمت أخذ اجرت در موارد مزبور این است که با قصد قربت منافات دارد، اما در عبادات استیجاری که نیابت بردار است مثل حج، روزه و نماز؛ آیا گرفتن اجرت با قصد قربت از طرف نائب برای منوب عنہ منافات پیدا نمی‌کند؟ به بیان دیگر، عبادت قصد قربت می‌خواهد ولی استیجار أخذ اجرت است و قصد قربت در آن وجود ندارد. حال چگونه باید این تضاد برطرف شود؟

این مسأله از جمله مسائلی است که در قسمت‌های مختلف فقه (کتاب الصلاة، کتاب الصیام، کتاب الحج و کتاب المكاسب المحرمه) مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نظریات مختلفی در این باره ابراز گردیده است. قبل از نقل و نقد اقوال و تحلیل نظر مختار ذکر مقدمه‌ای لازم است.

## روایاتی که بر مشروعیت عبادات استیجاری دلالت دارند.

در این قسمت به ذکر روایاتی که به مشروعیت عبادات استیجاری دلالت دارند می‌پردازیم:

۱- صحیح‌های معاویه بن عمار از امام صادق (ع): «قلت لابی عبدالله (ع) ای شی یلحق الرجل بعد موته؟ قال: يلحقه الحج عنه و الصدقه عنه و الصوم عنه» (حرّعاملی، تفصیل وسایل الشیعه، ۴۴۵/۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۲۹۴/۶). سیدخویی سند این روایت را صحیح می‌داند (خویی، مستند العروه الوثقی، ۲۳۸).



## ۲- صحیح‌هی معاویه بن عمار از امام صادق(ع): «قلت لابی عبدالله(ع) ما یلحق

الرجل بعد موته؟ فقال: سنه سنهها یعمل بها بعد موته فیکون له مثل اجر من یعمل بها، من غیر أن ینتقص من اجورهم شیء و الصدقه الجاریه تجری من بعده و الولد الطیب یدعو لوالدیه بعد موتها و یحج و یتصدق و یعتق عنهما و یصلی و یصوم عنهما» (حرّعاملی، تفصیل وسایل الشیعہ، ۴۴۴/۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۶۳/۷۹؛ کلینی، الکافی، ۵۷/۷). (محقق بحرانی، حدائق الناظره، ۱۷۸/۴ و سید خوبی، مستندالعروه الوثقی، ۲۳۸) سند این روایت را صحیح می‌دانند.

## ۳- صحیح‌هی عمر بن یزید از امام صادق(ع): «قلت لابی عبدالله(ع) نصلی عن

المیت؟ فقال: نعم حتی انه لیکون فی ضیق فیوسع الله علیه ذلک الضیق، ثم یؤتی فیقال له: خفف عنک هذا الضیق بصلاه فلان اخیک عنک» (حرّعاملی، تفصیل وسایل الشیعہ، ۴۴۳/۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۶۲/۷۹). سیدخویی سند این روایت را صحیح می‌داند. (خویی، مستندالعروه الوثقی، ۲۳۸).

## ۴- صحیح‌هی علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم(ع): «سألت ابی جعفر

بن محمد(ع) عن الرجل هل یصلح له أن یصلی أو یصوم عن بعض موتاه؟ قال: نعم، فلیصل علی ما أحب و یجعل تلک للمیت فهو للمیت اذا جعل ذلک له» (حرّعاملی، تفصیل وسایل الشیعہ، ۲۷۷/۸). سید خویی سند این روایت را صحیح می‌داند. (خویی، مستندالعروه الوثقی، ۲۳۹).

### مفهوم شناسی قصد قربت

منظور از قصد قربت این است که انگیزه‌ی انسان در انجام عبادت پیروی از فرامین الهی باشد. (حسینی مراغی، العناوین، ۳۹۶/۱؛ زبیدی، تاج العروس، ۴۲۴/۱؛ شهید اول، الدروس الشرعیّه، ۹۰/۱؛ ابن زهره، غنیه النزوع، ۵۳؛ عاملی، مدارک الاحکام، ۳۱۰/۳). عبادت دو رکن دارد: نخست این که نفس عبادت ذاتاً مقرب باشد؛ یعنی عملی باشد که ذاتاً انسان را به خدا نزدیک می‌کند. دیگر این که نیت عابد، نیز نزدیکی به پروردگار باشد. به عبارت دیگر، عبادت نیاز به دو رکن دارد: «حسن فعلی» و «حسن فاعلی». منظور از حسن فعلی این است که عبادت ذاتاً مطلوب مولی باشد مثل سجده و مراد از حسن فاعلی این است که عابد هم نیت خوبی داشته باشد و عبادتش برای



قرب باری تعالی باشد نه برای ریا و اغراض نفسانی (شهید اول، الذکری، ۸۰-۷۹). اگر هر دو رکن یا یکی از آنها نباشد، عبادت فاقد ارزش است. برای مثال اگر شخصی بگوید برای رضایت خدا به فلان شخص دشنام دادم، چنین عملی چون حسن فعلی ندارد عبادت محسوب نمی‌شود بر فرض هم که بپذیریم قصد قربت داشته باشد. همچنین است دخول در ملک مغضوب و اقامه‌ی نماز برای رضایت خدا.

### طرح اشکال

با توجه به مفاهیم مطروحه در باب قصد قربت، که در ازای انجام دادن آن برای عامل حق مطالبه‌ی اجرت وجود دارد، عبادات استیجاری با مشکل مواجه می‌شوند؛ چون اجیر نماز یا روزه یا امثال آن‌ها را به قصد اخلاص انجام نمی‌دهد. دلیل آن این است که اگر وجهی دریافت نکند عملی انجام نمی‌دهد. لذا چنین عباداتی که فاقد قصد قربت است صحیح نیست و به تبع آن اجاره نیز باطل است. از طرف دیگر، به نظر فقهاء عبادات استیجاری صحیح بوده و در صحت آن تردیدی نکرده‌اند.

به هر حال این ایراد باعث شده که فقهاء به فکر چاره‌ای باشند تا هم استیجار صحیح شود و هم قصد قربت مشکلی نداشته باشد.

### طرح اقوال

#### قول نخست

شیخ انصاری معتقد است که این مورد از محلّ بحث خارج است؛ زیرا محلّ بحث، گرفتن اجرت است بر آنچه که بر اجیر واجب می‌باشد نه أخذ اجرت بر نیابت در چیزی که بر اجیر کننده واجب است (انصاری، مکاسب، ۱۳۷/۲-۱۳۶). وی گوید: نیابت در اموری که ذکر شد اگرچه مستحب است لیکن ترتّب ثواب برای منوبّ عنه و حصول این نفع متوقف بر این نیست که نایب در نیابت خویش قصد اخلاص کرده باشد، بلکه هر گاه شخص نایب خود را به منزله‌ی غیر (منوبّ



عنه) قرار دهد و عمل را به قصد تقرب و نزدیکی به خدا انجام دهد، منوبٌ عنه از نیابت بهره‌مند خواهد شد. (همان، ۱۴۶/۲-۱۴۵).

توضیح این که به نظر شیخ انصاری عبادت استیجاری، دارای دو جزء است: یک جزء آن «نیابت» است و جزء دیگرش «عبادت» است. نیابت امر توصّلی است و قصد قربت نمی‌خواهد اما جزء دیگرش (انجام حج، خواندن نماز و گرفتن روزه) که عبادت است تعبّدی بوده و قصد قربت می‌خواهد و آن مربوط به منوبٌ عنه است. بنابراین دهنده‌ی پول قصد قربت دارد ولی گیرنده‌ی پول (نایب) قصد مادی دارد و این دوتاست، لذا تضادی میان آن دو وجود ندارد.

### نقد

در ارتباط با نظریه‌ی شیخ انصاری دو اشکال به نظر می‌رسد: نخست آن که تجزیه‌ی عبادت استیجاری در عالم ذهن درست است ولی در عالم خارج، آن دو یکی هستند. یعنی نایب خودش را به منزله‌ی منوبٌ عنه قرار می‌دهد. فقهاء در مورد حقیقت نیابت چنین می‌گویند: «حقیقه النیابه تنزیل الفاعل نفسه منزله شخص آخر فیما بفعله» (همان، ۲۰۵؛ اصفهانی، الاجاره، ۲۲۵؛ موسوی خمینی، مکاسب المحرمه، ۲/۱۶۶؛ خویی، مستندالعروه الوثقی، ۲۴۵). پس نیابت از عبادت در خارج جدای از عبادت نیست.

دوم آن که منوبٌ عنه به واسطه‌ی پرداخت اجرت و با عمل عبادی که نایب انجام می‌دهد، تقرب به خدا پیدا می‌کند و مستحق ثواب می‌گردد، پس عمل عبادی که نایب از طرف منوبٌ عنه قصد قربت می‌کند با عدم قصد قربت نایب همراه می‌شود. بنابراین نمی‌توانیم متعلق قربت را از متعلق غیر قصد قربت جدا کنیم و در نتیجه تضاد بین آن دو وجود دارد. بنابراین راه حل مذکور راه حل صحیحی نیست.

### قول دوم

یکی دیگر از اقوال مطروح در بحث برای حل مشکل این است که در عبادات استیجاری که مانند سایر عبادات نیاز به قصد قربت دارد، چه کسی باید قصد قربت کند نایب یا منوبٌ عنه؟



عده‌ای می‌گویند از آن جا که منوبٌ عنه می‌خواهد با عبادت به خدا نزدیک‌تر شود پس او باید قصد قربت کند نه نایب. منوبٌ عنه به هنگام پرداخت وجه به نایب قصد قربت می‌کند ولی نایب که وجه را می‌گیرد لازم نیست که قصد قربت کند و به انگیزه‌ی همان اجرت عبادت را انجام می‌دهد. (به نقل از درس ۳۷۲ خارج فقه آیت الله صانعی).

### نقد

این راه حل قابل اشکال است؛ زیرا منوبٌ عنه که قصد قربت دارد، با چه چیز متقرب الی الله می‌شود؟ آیا به صرف پرداخت پول و اجرت اجیر تقرّب می‌جوید؟ یا این که تقرّب زمانی حاصل می‌شود که آن عبادت انجام شود؟ در نیابت قصد تقرّب منوبٌ عنه اعتبار دارد نه تقرّب نایب (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۲۲۸/۱). آن چه باعث تقرّب می‌شود، نفس عبادت است، نه دادن اجرت؛ در حالی که قصد قربت در این فرض مقارن با پرداخت اجرت صورت می‌گیرد نه هنگام انجام عبادت (طباطبایی حکیم، ۱۳۸۹: ۱۱۵/۷-۱۱۲).

به تعبیر دیگر، قصد قربت منوبٌ عنه از راه قصد قربت اجیر است و اجیر هم که به فرض نمی‌تواند قصد قربت کند. نتیجه این که نمی‌توانیم متعلق قربت را از متعلق اجرت جدا سازیم و با تعدد موضوع مشکل را حل نماییم. بنابراین تضاد همچنان باقی است.

آیت الله گلپایگانی گوید: «در حج نیابتی قصد نیابت لازم است، به این معنا که خود را به جای شخص منوبٌ عنه در نظر بگیرد و یا عمل خود را به جای عمل او قرار دهد و برای این جهت تعیین منوبٌ عنه یا اشاره‌ی ذهنیه کافی است هر چند مستحب است نام منوبٌ عنه را به هنگام نیت برای احرام و سایر اعمال ذکر کند» (گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۷۳). وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر این که آیا در حج نیابتی و عمره‌ی مفرده‌ی نیابتی، طواف نساء و نماز آن را باید نایب از طرف خود انجام دهد یا از طرف منوبٌ عنه؛ گوید: «باید به قصد منوبٌ عنه باشد» (منبع پیشین: ۸۹). آیت الله لنگرانی معتقد است در این جا دو قصد تقرّب وجود دارد. یک قصد تقرّب در رابطه با اصل نیابت است، این مربوط به نایب است. یک تقرّب مربوط به عمل منوبٌ فیه است که ارتباط



به منوب<sup>۱</sup> عنه دارد و نایب تقرّب او را قصد می‌کند (یکصد و پنجاه و پنجمین درس خارج فقه آیت الله لنکرانی، بحث حج، ۱۳۶۹).

در کتاب جامع الشتات سؤالی طرح شده و در ذیل آن پاسخ میرزای قمی آمده است که عیناً نقل می‌شود:

سؤال ۲۱۷: در عبادات استیجاریه، نیت تقرّب را به چه نحو باید کرد؟ آیا باید نیت کند که این فعل را می‌کنم لتقرّب المنوب<sup>۲</sup> عنه فقط یا لحصول القرب لی و له معاً، و اگر شخص اجیر باید نیت تقرّب را از برای خود نیز داشته باشد مشکل است امر، نظر به این که با وجود اجرت گرفتن، نیت تقرّب مشکل متحقق شود و اگر هم بشود خلوصش مشکل است. آیا هرگاه در وقت تقرّب به خدا به خاطرش برسد که باعث و داعی لزوم این فعل بر گردن من این اجرت گرفتن است و در حالتی که آن عبادت را می‌کند قصد تقرّب نیز دارد، چنین نیتی کافی است یا از این ضمیمه نیز باید خالص باشد؟

جواب: درگاه الهی، درگاه بخل نیست. شکی نیست که در وفای به عقد اجاره که واجب است از واجبات ثواب هست، و اگر نه، وجوب معنی نخواهد داشت. پس از حیثیت وفای به اجاره قصد تقرّب به جهت خود، خالصاً بی‌اشکال است. چون به دلیل ثابت شده جواز چنین عبادتی و از حیثیت خود فعل ثواب را از برای منوب<sup>۳</sup> عنه منظور دارد که قرب از برای او حاصل شود، بلکه امید این که از خود فعل، بهره به او برسد ضرر ندارد، چنان که از اخبار استیجار حج و غیره ظاهر می‌شود که بیشتر ثواب از برای او باشد و کمتر از برای منوب<sup>۴</sup> عنه. (قمی، جامع الشتات، ۹۷/۱).

### قول سوم

سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در کتاب عروه الوثقی، مسأله‌ی دوم از فصل «صلاه الاستیجار» چنین گوید: «يعتبر في صحة عمل الاجير و المتبرع قصد القرية و تحققه في المتبرع لا اشكال فيه، و اما بالنسبة الى الاجير الذي من نيته أخذ العوض فرّما يستشکل فيه، بل ربّما يقال من هذه الجهة انه لا يعتبر فيه قصد القرية، بل يكفي الاتيان بصورة العمل عنه، لكن التحقيق

<sup>1</sup> Available at: <<http://www.hadj.ir/fa/default.php?part=fo&cid=haj/155>>

ان أخذ الاجره داع لداعى القربه كما فى صلاه الحاجه و صلاه الاستسقاء، حيث ان الحاجه و نزول المطر داعيان الى الصلاه مع القربه و يمكن ان يقال: انما يقصد القربه من جهه الوجوب عليه من باب الاجاره و دعوى ان الامر الاجارى ليس عباديه بل هو توصلى مدفوعه بانه تابع للعمل المستأجر عليه فهو مشترك بين التوصليه و التعبدية». (طباطبایى یزدی، العروه الوثقی، ۱/۷۴۵-۷۴۳).

خلاصه کلام صاحب عروه، ارائه‌ی سه راه چاره برای حلّ مشکل عبادات استیجاری است:

### راه حل نخست: عدم اعتبار قصد قربت

توضیح کلام این که در عبادات استیجاری قصد قربت شرط نیست؛ بلکه همان صورت عمل کافی است (حسن فعلی). یعنی همین که نایب یک ماه از طرف منوب عنہ نماز بخواند کافی است، هر چند قصد قربت نکند؛ چون قصد قربت در عبادات استیجاری ضرورت ندارد.

### نقد

لحن خود ایشان این راه حل را صحیح نمی‌داند؛ زیرا شارع مقدس از ما عبادت خواسته و اساس عبادت قصد قربت است. عبادت بدون قربت ارزش ندارد. حج بدون قصد قربت، نماز و روزه‌ی بدون قصد قربت عبادت نیست. فرضاً بپذیریم که حج صوری چون مایه‌ی وحدت مسلمین می‌شود، فایده‌ای داشته باشد، ولی نماز و روزه‌ی صوری که در خانه به تنهایی انجام می‌شود، اگر فاقد قصد قربت باشد، چه فایده‌ای دارد؟ بنابراین راه حل اول صاحب عروه ایراد دارد.

### راه حل دوم: استناد به أوفوا بالعقود

به نظر صاحب عروه، با استناد به امر «أوفوا بالعقود» و وفای به عقد اجاره، اخذ اجرت در عبادات استیجاری نیز جنبه‌ی قصد قربت پیدا می‌کند. به این معنا که نایب به دلیل امر الهی بر وجوب وفاء به عقد اجاره و اداء دین به قصد قربت عبادت را به جا می‌آورد، هر چند که او به خاطر





گرفتن اجرت، عمل عبادی را انجام دهد. بنابراین مستأجر هنگامی که با موجر قرارداد اجاره برای یک ماه نماز می‌بندد، عمل به این قرارداد به حکم «أوفوا بالعقود» بر او واجب می‌گردد.

### نقد

راه حل دوم دو ایراد عمده دارد:

نخست، خود صاحب عروه در ادامه به راه حل مطروحه ایراد وارد می‌کند که امر «أوفوا بالعقود» یک امر توصلی است نه تعبدی. بنابراین نمی‌توان به وسیله‌ی آن قصد قربت نمود. توضیح کلام این که امر الهی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- امر توصلی: مثل دفن و کفن میت و ردّ سلام که اموری توصلی هستند و نیازی به قصد قربت ندارند.

۲- امر تعبدی: مثل اقامه‌ی نماز و روزه و امثال آن که قصد قربت در آنها لازم است و بدون قصد قربت باطل‌اند. (مظفر، اصول فقه، ۱/۶۶-۶۵؛ موسوی خمینی، تهذیب الاصول، ۱/۱۱۱؛ طباطبایی بروجردی، حاشیه علی کفایه الاصول، ۱/۱۹۳؛ موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیة، ۲/۳۳۲).

با توجه به مفاهیم فوق، «أوفوا بالعقود» امری توصلی است. هنگامی که معامله‌ای انجام می‌دهیم نیازی به قصد قربت نیست. در تجارت امروزی بسیاری از شرکت‌ها برای رونق کارشان دقت و استانداردهای زیادی در کالاهای خود به خرج می‌دهند، ولی نه به خاطر رضای خدا بلکه برای جلب نظر مصرف‌کننده و ایجاد اعتماد نسبت به کالاهای عرضه شده. بنابراین چون «أوفوا بالعقود» یک امر توصلی است، نمی‌توان با آن قصد قربت نمود.

### پاسخ

امر «أوفوا بالعقود» را نمی‌توان یک امر توصلی محض یا تعبدی محض دانست؛ بلکه هر جایی به رنگ متعلقش در می‌آید. اگر شخصی برای یک امر توصلی اجبر شود، «أوفوا بالعقود» او

را الزام به عمل توصلی می‌کند، ولی اگر برای یک عبادت اجیر گردد، «أوفوا بالعقود» شامل او می‌شود و او را وادار به انجام عمل تعبدی می‌کند. (خویی، مستندالعروه الوثقی، ۲۳۶). اگر برای کفن و دفن میت اجیر گردد «أوفوا بالعقود» توصلی خواهد بود، ولی اگر برای انجام نماز یا روزه اجیر گردد، امر مذکور تعبدی خواهد بود و نیازمند قصد قربت است.

ایراد دوم این راه حل این است که موجب تحقق دور باطل می‌گردد، زیرا می‌گویند به دلیل «أوفوا بالعقود» قصد قربت را درست می‌کنیم، ولی این درست نیست؛ چون اول باید عمل صحیح داشته باشیم تا اجاره درست شود. یعنی صحت اجاره فرع بر صحت نماز یا روزه است. از طرف دیگر، صحت نماز یا روزه هم فرع بر صحت اجاره است. به بیان دیگر، اجاره وقتی صحیح است که قصد قربت درست شود و قصد قربت وقتی می‌آید که اجاره درست شود و این دور بوده و باطل است.

به تعبیر دیگر، هر موضوعی قبل از حکم خود باید موجود باشد؛ یعنی موضوع باید از هر جهت آماده شود تا حکمی بر آن مترتب گردد. مثلاً اول باید خون وجود داشته باشد تا در مرحله‌ی بعد حکم به نجاست یا بطلان خرید و فروش آن نماییم و معنی ندارد که حکم به نجاست یا بطلان بیع، موضوع خود را ایجاد کند. بنابراین اگر در موردی موضوعی توسط حکم ایجاد شود مستلزم دور است، چون حکم متوقف بر موضوع است و موضوع هم متوقف بر حکم می‌شود. در محل بحث نیز این گونه است؛ زیرا اجاره موضوع خود را که عبادت استیجاری است تصحیح می‌کند و عبادت استیجاری به اجاره مشروعیت می‌بخشد.

### راه حل سوم: داعی بر داعی (نظر مختار)

راه حل دیگری که برای حل مشکل می‌توان ارائه داد بحث داعی بر داعی است. گاه می‌شود انسان برای انجام کاری داعی و انگیزه‌ای دارد و این داعی، داعی و محرکی دیگر دارد. در عبادات ما، غالباً دواعی متعدد است. مثلاً نماز شب می‌خواند برای وسعت روزی یا نماز باران می‌خواند





برای آمدن باران و این تعدد داعی در طول همدیگر است.<sup>۲</sup> محرک اصلی در عبادات قصد قربت است و محرک بر قصد قربت رسیدن به حوائج مادی است. بنابراین در مورد عبادات استیجاری، می‌توان گفت که أخذ اجرت در طول قصد قربت است، پس با هم منافات ندارند. یعنی نماز می‌خوانم و حج را به جا می‌آورم برای خدا و به قصد قربت، ولی محرکم در این نماز و حج أخذ اجرت است.

به بیان دیگر، داعی انسان بر عبادت، خداوند است. انسان گاه بر ایجاد این انگیزه، انگیزه‌ی دیگری هم دارد که آن را «داعی بر داعی» می‌گویند. چه اشکال دارد که داعی بر داعی غیر خدا باشد؟ همان گونه که در نماز باران، انگیزه‌ی اصلی خداوند است، اما داعی بر داعی آمدن باران و رفع خشکسالی. یا این که گفته می‌شود. «نماز شب باعث وسعت رزق است» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۲۰/۲؛ حرّعاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل، ۱۴۹/۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۵۰/۸۴). حال اگر انگیزه‌ی شخصی برای نماز شب خداوند باشد، ولی داعی بر این انگیزه وسعت روزی باشد، آیا اشکالی دارد؟ مردم در بسیاری از زیارات حاجات دنیوی دارند، آیا زیارت آن‌ها صحیح نیست؟ مثلاً کسی که به کربلا مشرف می‌شود و امام حسین(ع) را برای رضای خدا زیارت می‌کند، ممکن است یکی از این انگیزه‌ها را نیز داشته باشد:

- شفیع قرار دادن امام حسین (ع)؛

- شفای بیماری خود یا نزدیکانش؛

- پرداخت دیونش؛

- بازدید از شهر کربلا و خرید سوغات.

در محلّ بحث نیز چنین است؛ داعی اجیر انجام عبادت برای رضای خداست و انگیزه‌ی او بر این کار أخذ اجرت است.

<sup>۲</sup> - انسان گاهی برای یک کار انگیزه‌های متفاوتی دارد و این انگیزه‌ها گاه در طول یکدیگرند و گاه در عرض یکدیگر. انگیزه‌هایی که در عرض یکدیگرند، محلّ بحث ما نیست. اما انگیزه‌هایی که در طول یکدیگرند مثل این که برای انجام کاری انگیزه‌ای داریم و برای این انگیزه داعی دیگری وجود دارد و برای داعی دوم ممکن است انگیزه‌ی سومی باشد که این سه داعی و انگیزه در طول یکدیگرند.

بر اساس این نظریه، برای رفع تنافی باید انگیزه‌ها را متعدد دانست نه عمل را که در نظریه‌ی شیخ انصاری آمده است.

نتیجه‌ی سخن این که، تصحیح عبادات از راه داعی بر داعی، از بین اقوال مطروحه که جهت تصحیح قصد قربت در عبادات استیجاری ذکر شد، بهترین راه حل است.

### نیابت بالجعله

#### آیا به وسیله‌ی جعاله هم می‌شود نیابت تحقق پیدا کند؟

جعاله خصوصیتش این است که جاعل در مقابل انجام عملی، یک جعلی را قرار می‌دهد بدون این که طرفی را مشخص کند. مثلاً بگوید هر کسی که فلان کار را برای من انجام دهد من ده تومان به او می‌دهم بدون این که طرف مشخص باشد. در باب اعمال عادی مثل خیاطی و امثال آن معنی ندارد. (محقق حلی، شرایع الاسلام، ۷۰۶/۳؛ شهید اول، الدروس الشرعیه، ۹۷/۳؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائده، ۱۴۵/۱۰). سؤال این است که آیا در نیابت مسأله‌ی جعاله هم می‌تواند پیاده شود؟

شیخ انصاری در پاسخ می‌گوید: بله، خصوصیتی ندارد که نیابت را از باب جعاله خارج کنیم. مثلاً در مورد ورثه‌ای که می‌خواهند برای پدرشان کسی حجی را انجام دهد بیابند به صورت جعاله مثلاً بگویند هرکسی که از ناحیه‌ی ما حج را انجام دهد ما ده تومان به او می‌دهیم. در این جا عمل به عنوان جعاله و پول هم به عنوان جعل و اجرت در باب جعاله مطرح است. آیا اطلاعات جعاله و ادله‌ی جعاله این جا را شامل نمی‌شود؟ (انصاری، رسائل فقهیه، ۱۳۹/۲).

در میان علمای امامیه کسی قائل به عدم جریان جعاله در نیابت نشده است فقط از شافعی قائل شدند به این که جعاله در این قبیل موارد باطل و فاسد است (نووی، المجموع فی شرح المذهب، ۳۲/۱۵). که البته دلیلی بر این معنا نیست؛ چرا که اطلاعات جعاله مثل همان اطلاعات اجاره می‌ماند منتها عناوین با هم فرق می‌کند. یکی اجاره است و دیگری جعاله. بنابراین علاوه بر نیابت استیجاری در عبادات قسم دیگری از نیابت تحت عنوان نیابت بالجعله مطرح می‌شود که در احکام و آثار با هم مشترک هستند.

همچنین نیابت به صورت شرط ضمن عقد نیز صحیح است به این صورت که در ضمن عقد معامله مثلاً فروش منزل یا مغازه شرط کند که از قبل من یا فلان کس حج به جا آوری یا نماز بخوانی (روحانی، مناسک حج، ۶۱).

### اجیر باید به مقتضای تقلید خودش عمل کند یا تقلید منوب عنه؟

آیا بر نایب (عامل) واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال عبادت را به جا آورد یا مطابق وظیفه‌ی خودش عمل نماید؟ در پاسخ دو دیدگاه وجود دارد:

۱- طبق دیدگاه نخست، نایب باید مطابق با فتاوی مرجع تقلید منوب عنه عبادات نیابتی را به جا آورد. آیت الله طباطبایی یزدی گوید: «در اجزاء و شرایط باید عمل کند به تقلید منوب عنه، مادام که مقطوع البطلان نباشد و ضرر ندارد هر گاه به مقتضای تقلید خودش باطل باشد؛ چون به مقتضای تقلید منوب عنه صحیح است و مقطوع البطلان هم نیست» (طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ۷۴۹/۱؛ طباطبایی یزدی، سؤال و جواب، ۳۰۸).

۲- طبق دیدگاه دوم، در صورت اطلاق، نایب باید مطابق با فتاوی مرجع تقلید خودش عبادات نیابتی را به جا آورد مگر در صورت اشتراط خلاف آن. امام خمینی گوید: «میزان وظیفه‌ی خود نایب است، ولی اگر اجیر شده به کیفیت خاصی باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه‌ی خودش و کیفیت ذکر شده بشود» (موسوی خمینی، مناسک حج، ۳۹؛ موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۲۳۰/۱). آیت الله گلپایگانی نیز گوید: «اجیر باید مطابق وظیفه‌ی خودش عمل نماید، اگر با او شرط کنند که علاوه بر واجبات و شرایط صحت به نظر اجیر، بعضی از امور لازمه به نظر منوب عنه را نیز به جا آورد، یا بعض منافیات به نظر او را ترک کند، باید به شرط عمل نماید.» (گلپایگانی، احکام و آداب حج، ۹۰).

به نظر ما، نظر دوم با اصول و قواعد سازگارتر است. آیات مربوط به وفای به عهد نظیر «والموفون بعهدهم اذا عاهدوا» (بقره، ۱۷۷) و «والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون» (مؤمنون، ۸) و «أوفوا بالعقود» (مائده، ۱) همان طور که حکم عهد و پیمان بندگان با خداوند را بیان می‌کند، پیمان‌های خصوصی میان مردم را نیز دربر می‌گیرد. بنابراین کسی که اجیر برای قضای



نماز، روزه و حج می‌شود اگر طرز مخصوصی را با او شرط کنند (مثلاً به او بگویند نماز را باید در مسجد یا در فلان ساعت بخوانی) یا با او شرط کنند که مطابق فتاوی مرجع تقلید منوب عنه اعمال را انجام دهد، باید به شرط عمل کند. اما اگر شرط خاصی با او نکنند مطابق تکلیف خود و طبق معمول (مثلاً اگر با اجیر شرط نکنند که نماز را با چه مقدار از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است به جا آورد) باید انجام دهد.

### نتیجه گیری

نتایج حاصله از این پژوهش به شرح ذیل است:

- ۱- هر عبادتی نیاز به دو رکن دارد: «حسن فعلی» و «حسن فاعلی». منظور از حسن فعلی این است که عبادت ذاتاً مطلوب مولی باشد مثل سجده و مراد از حسن فاعلی این است که عابد هم نیت خوبی داشته باشد و عبادتش برای قرب باری تعالی باشد نه برای ریا و اغراض نفسانی.
- ۲- با توجه به این که در عبادات همراهی حسن فعلی با حسن فاعلی ضروری است، عبادات استیجاری با مشکل مواجه می‌شوند؛ چون مستأجر نماز یا روزه یا امثال آنها را به قصد اخلاص انجام نمی‌دهد. دلیل آن این است که اگر وجهی دریافت نکند عملی انجام نمی‌دهد. لذا چنین عباداتی که فاقد قصد قربت است صحیح نیست و به تبع آن اجاره نیز باطل است.
- ۳- به هر حال ایراد مذکور باعث شده که فقهاء به فکر چاره‌ای باشند تا هم استیجار صحیح شود و هم قصد قربت مشکلی نداشته باشد.
- ۴- بعد از بیان اقوال و نقد آنها، نظر مختار ما در این مقاله این بود که برای توجیه أخذ اجرت در عبادات استیجاری چاره‌ای جز تمسک به راه حل «داعی به داعی» نداریم. با این توضیح که داعی انسان بر عبادت، خداوند است. انسان گاه بر ایجاد این انگیزه، انگیزه‌ی دیگری هم دارد که آن را «داعی بر داعی» می‌گویند. این انگیزه در طول انگیزه‌ی اصلی عبادت است.
- ۵- همچنان که نیابت به تبرع و اجاره صحیح است به جعاله و شرط ضمن عقد و مانند این‌ها نیز صحیح است.



## فهرست منابع

### ۱- قرآن کریم.

- ۲- ابن زهره حلبی، **غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع**، تحقیق: ابراهیم بهادری به اشرف شیخ سبحانی، مؤسسه الامام الصادق (ع)، چاپ اول، قم، (۱۴۱۷ ه.ق).
- ۳- اصفهانی، محمد حسین، **الاجاره**، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، قم، (۱۴۰۹ ه.ق).
- ۴- انصاری، مرتضی، **رسائل فقهیه**، مطبعه ی باقری، چاپ اول، قم، (۱۴۱۴ ه.ق).
- ۵- انصاری، مرتضی، **مکاسب**، ج ۲ (دوره ی ۶ جلدی)، مؤسسه الهادی، چاپ اول، قم، (۱۴۲۰ ه.ق).
- ۶- بحرانی، یوسف، **حدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره**، ج ۴ (دوره ۲۵ جلدی)، تحقیق محمد تقی ایروانی، جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه فی قم، (بی.تا).
- ۷- حسینی مراغی، میر عبد الفتاح، **العناوین**، ج ۱ (دوره ۲ جلدی)، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، قم، (۱۴۱۷ ه.ق).
- ۸- حرّ عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲ و ۸ (دوره ۳۰ جلدی)، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ دوم، قم، (۱۴۱۴ ه.ق).
- ۹- خویی، ابوالقاسم، **مستند العروه الوثقی** (الجزء الخامس من کتاب الصلاه)، ناشر لطفی، چاپ اول، قم، (۱۳۶۸ ه.ش).
- ۱۰- روحانی، محمد صادق، **مناسک حج**، اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم، (۱۴۱۹ ه.ق).
- ۱۱- زبیدی، محمد مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، ج ۱ (دوره ۱۰ جلدی)، مکتبه الحیاه، بیروت، (بی.تا).
- ۱۲- شهید اول، محمد بن مکی، **الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه**، ج ۱ و ۳ (دوره ۳ جلدی)، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، قم، (۱۴۱۴ ه.ق).
- ۱۳- شهید اول، محمد بن مکی، **الذکری**، چاپ سنگی، بی.جا، (بی.تا).
- ۱۴- شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، **تهذیب الاحکام**، ج ۲ (دوره ۱۰ جلدی)، تحقیق حسن موسوی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، (۱۳۶۵ ه.ش).
- ۱۵- صانعی، یوسف، **درس خارج فقه**، درس ۳۷۲، (بی.تا). بنگرید به پایگاه اینترنتی آیت الله صانعی به آدرس: <http://www.saanei.org/page.php?pg=showfeqh&id=597&lang=fa>
- ۱۶- طباطبایی بروجردی، حسین، **حاشیه علی کفایه الاصول**، ج ۱ (دوره ۲ جلدی)، تقریر توسط بهاء



- الدین حجّتی بروجردی، مؤسسه انصاریان، چاپ اول، قم، (۱۴۱۲ ه.ق).
- ۱۷- طباطبایی حکیم، محسن، **مستمسک العروه الوثقی**، ج ۷ (دوره ۱۴ جلدی)، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ سوم، قم، (۱۳۸۹ ه.ق).
- ۱۸- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، **سؤال و جواب**، مرکز نشر علوم اسلامی، تحقیق توسط: مصطفی محقق داماد، چاپ اول، تهران، (۱۳۷۶ ه.ش).
- ۱۹- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، **العروه الوثقی**، ج ۱ (دوره ۴ جلدی)، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت، (۱۴۰۹ ه.ق).
- ۲۰- عاملی، محمد، **مدارک الاحکام**، ج ۳ (دوره ۸ جلدی)، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، قم، (۱۴۱۰ ه.ق).
- ۲۱- علامه حلی، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **تذکره الفقهاء**، ج ۱ (دوره ۲ جلدی)، من منشورات مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، (بی.تا).
- ۲۲- علامه حلی، ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **قواعد الاحکام**، ج ۲ (دوره ۳ جلدی)، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، قم، (۱۴۱۳ ه.ق).
- ۲۳- فخر المحققین، ابی طالب محمد بن حسن بن یوسف، **ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد**، ج ۱ (دوره ۴ جلدی)، تحقیق کرمانی، اشتهاوردی و بروجردی، چاپ اول، (۱۳۷۸ ه.ق).
- ۲۴- قمی، ابوالقاسم، **جامع الشتات** (فارسی)، ج ۱ (دوره ۴ جلدی)، با تصحیح و اهتمام مرتضی رضوی، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران، (۱۴۱۳ ه.ق).
- ۲۵- کرکی، علی بن حسین، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ج ۴ (دوره ۱۳ جلدی)، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، (۱۴۰۸ ه.ق).
- ۲۶- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، ج ۷ (دوره ۸ جلدی)، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم (۱۳۶۷ ه.ش).
- ۲۷- گلپایگانی، محمد رضا، **احکام و آداب حج**، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، قم، (۱۴۱۳ ه.ق).
- ۲۸- لنکرانی، محمد فاضل، **یکصد و پنجاه و پنجمین درس خارج فقه**، بحث حج، (۱۳۶۹ ه.ش) بنگرید به پایگاه اینترنتی بعثه‌ی مقام معظم رهبری به آدرس:  
<<http://www.hadj.ir/fa/default.php?part=fo&id=haj/155>>
- ۲۹- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، ج ۶، ۷۹ و ۸۴ (دوره ۱۱۰ جلدی)، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، بیروت، (۱۴۰۳ ه.ق).



- ۳۰- محقق اردبیلی، احمد مقدس اردبیلی، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان**، ج ۱۰ (دوره ۱۴ جلدی)، تحقیق اشتهاردی، عراقی و یزدی، جامعه المدرسین، چاپ اول، قم، (۱۴۱۲ ه.ق).
- ۳۱- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۳ (دوره ۴ جلدی)، تحقیق صادق شیرازی، انتشارات استقلال، چاپ دوم، تهران، (۱۴۰۹ ه.ق).
- ۳۲- مظفر، محمدرضا، **اصول فقه**، ج ۱ (دوره ۲ جلدی)، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه، چاپ چهارم، قم، (۱۳۷۰ ه.ش).
- ۳۳- موسوی بجنوردی، محمد حسن، **القواعد الفقهیه**، ج ۲ (دوره ۷ جلدی)، تحقیق مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، نشر الهادی، چاپ اول، قم، (۱۴۱۹ ه.ق).
- ۳۴- موسوی خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، ج ۱ (دوره ۲ جلدی)، اسماعیلیان، چاپ دوم، قم (۱۳۹۰ ه.ق).
- ۳۵- موسوی خمینی، روح الله، **تهذیب الاصول**، ج ۱ (دوره ۳ جلدی)، تقریرات مباحث امام خمینی به قلم جعفر سبحانی تبریزی، انتشارات دارالفکر، چاپ اول، قم (۱۴۱۰ ه.ق).
- ۳۶- موسوی خمینی، روح الله، **مکاسب المحرمه**، ج ۲ (دوره ۲ جلدی)، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم (۱۳۸۱ ه.ق).
- ۳۷- موسوی خمینی، روح الله، **مناسک حج**، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، تهران (۱۴۱۳ ه.ق).
- ۳۸- نووی، محیی الدین بن شرف، **المجموع فی شرح المهذب**، ج ۱۵ (دوره ۲۰ جلدی)، دارالفکر، بیروت (بی تا).

